

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۱ جنوری ۲۰۱۶

راویان عجمی و خاموشی روشنفکران

از نعره های آدم غرق جنون بترس از واعظی که رفته پی چند و چون بترس
از آنکه زشت چهره تر از دیو شد بترس از آن کسی که زشت شده از درون بترس
شیطانی است رسم و ره مفتیان شهر از دیو جهل و نغمه روحانیون بترس

بخش اول

متأسفانه و بد بختانه تعداد زیادی از روشنفکران ما به خاطر این که در جامعه و در بین مردم دین ستیز معرفی نشوند و از گزند نیش زهر آگین ملا و صوفی و طبقه حاکمه و استعمار جهانی مصون باشند با وجودی که به خرافاتی بودن دین اعتقاد دارند هرگز میل و رغبت از خود نشان نداده و علیه خرافات دینی و تاریخ تهاجم عرب و جنایات آنها قلم بر نداشته و در محو خرافات ناشی از تسلط و دوام دین عربی در روشنگری توده ها عمل مثبتی را انجام نداده و نمی دهند که این هم در پهلوی تحمل صد ها درد و رنج دیگر دردی است بزرگ. به ارتباط این موضوع گاهگاهی افراد روشنفکر بیان می کنند که ما دین ستیز نیستیم و به عقاید مردم کاری نداریم و به ارتباط این گفته شان سوالی باید نمود که چرا نیستید؟ در حالی که همین عقاید و باور مندی انسانها مسیر زندگی شان را مشخص ساخته و سر نوشت آنها و جامعه را مشخص می سازد؟

استعمار جهانی مهم ترین شریان به رویا بردن و بی احساس ساختن مردم را که از آگاهی سیاسی به دور مانده اند پیدا و توسط شیخک ها و نمایندگان ، راویان و مداحان مواد مسموم کننده را در این رگها به آهستگی تزریق داشته و می دارند، مسخره خواهد بود که اذعان نمود که من (روشنفکر): با دین و مقدسات دیگران کار ندارم ؟ یعنی چه ؟ دین؟ مقدسات؟ از چه صحبت می داری روشنفکر عزیز؟؟ مگر دین ستیزی چیست به جز روشنگری؟ دین ستیزی و مؤمن ستیزی دو موضوع متفاوت است، یکی روشنگری است و دیگری نفرت پراکنی، دین ستیزی نیک و مبارک است و مؤمن ستیزی کار نادرستی می باشد، در راه دین ستیزی که مفهوم ضربه زدن به استعمار را دارد باید گام برداشت و مردم را آگاه ساخته و تشویق نمود و مؤمن ستیز نباید بود و فقط به مردم باید آگاهی داد و این موضوعی است که من ، تو و همه باید بدانند، مسلمان عامی در مورد مسلمان بودنش ملامت نیست، چون در یک خانواده مسلمان تولد، رشد، تربیه و روی بنا های اسلامی که پدرش هم از پدر همچنان از آباء و اجداد آموخته اند بزرگ شده و زیر دعا و کلام های افسون کننده ملا و چلی آگاهی هائی در ذهن شان به نام اسلام و مسلمانی جایگزین شده است، یعنی او در تعیین

دین خودش اختیاری نداشته است، او به این باور مندی کشانیده شده است، و صد ها سال است که این تراژیدی ادامه دارد، اکنون بر من و تو لازم است که این مردم را از ماهیت دین، آگاه سازیم و برایش آشنائی کامل از دین بدهیم، آنچه می دانیم و او نمی داند و این ملا ها و شیخک های عربی آنها را از فهمیدنش دور نگهداشته اند باید آگاه شوند باید بدانند دین چیست؟ چرا و برای چه پیدا شده است؟ پیامبران کی ها بودند؟ چرا آمدند و چه کار ها کردند، صد ها و هزاران موضوع دیگر (البته قابل یادمانی می دانم که منظورم از کلمه روشنفکر فقط آن شخصیت های علمی، باشرف، با وجدان، وطن دوست، با دانش و روشنفکر و روشنضمیر است که در رگ رگ بدن شان خون وطن دوستی، شرافت و آزادی وطن و عشق توده های محروم کشور به تمام معنی جریان داشته و با همین احساس در راه آزادیخواهی مبارزه نموده و می نمایند) نه هر آدمی که چند جمله و کلمه بی مفهوم از چند کتاب گفت و نوشت، مثل زنا زاده های تاریخ پر چمی و خلقی ها!؟

اسلام ستیزی مبارزه با جهل و آئین خرافی بدوی و تفوق جوئی اعراب است، اسلام ستیز در صدد کمک به مسلمان شده ها یعنی عجمی ها و رهائی آنها از قید و بند نفهمی است و مسلم ستیزی به دنبال آزار نمودن ایشان، این دو بسیار متفاوتند و یکی دانستن آنها توسط اشخاصی به نام اصطلاحی عالمان دین در چوکات فریب روحانیت برای نا آگاه نگاه داشتن توده ها است، و این وسیله ای است که ملا گک ها سعی و تلاش دارند ازین موضوع سوء استفاده نموده و با تازیدن به منتقدین به ادیان ابراهیمی مخصوصاً دین اسلام و ریشه های آن با مدغم ساختن چند موضوع سعی برای کسب آبرو برای خود و اربابان خویش دارند.

حقیقت این است که دین همیشه به صورت فریبکارانه در خدمت قدرتمندان در جهت تحمیق جامعه به کار گرفته شده و نگاهی خیلی هم ساده به تاریخ پیدایش دین در جوامع مختلف و مروری بر مخالفت همیشگی آن با علم و تفکر و معرفت و اراده فردی انسانی نشاندهنده نقش منفی دین در جوامع بشری است، می بینیم که چگونه با تکرار و آموزش غلط، بدی را نیکی و نیکی را بدی، سیاه را سفید و سفید را سیاه نشان داده اند ، فقط برای تحمیق توده ها، حفظ منافع استعمار و دوام قدرت جاهلیت بر دانش و آزادگی انسان. این است دنیای دین، مولدین دین، دنباله روان و راویان دین. مولدین دین و دنباله روان و تبلیغ کنندگان که خود سود جویانی بیش نیستند همه مکاره بوده و استفاده جو می باشند ، اگر آنها جهالت شان را علم نمی گفتند و قوانین متحجر و خشن خود را (**ناجی بشریت، قانون برابری، عدالت، انسانیت**) نام نمی گذاشتند، از اسلام سیاسی دم نمی زدند و جوامع انسانی غیر اسلامی را به سوی انهدام نمی کشیدند با آن کاری نمی داشتیم. متأسفانه این جهل اجباری اسلامی عربی سبب عقب ماندگی جامعه های انسانی گردیده و سبب فساد جامعه، خشونت و نارامی زندگی مردم شده و می شود که نمی توان در مقابل آن بی تفاوت بوده و خاموش ماند، باید هر کی هر چه می داند روشنگری نماید تا خرافات را از جامعه بزدايد با وجودی که خلاف منافع ملا و چلی و روحانیت، طبقه حاکمه و استعمار جهانی است.

روشنفکر باید بگوید :موجودی به نام جن وجود ندارد، رفتن خر و یا اسپه به آسمان ممکن نیست ، موجودی در عالم غیب به نام ارواح، ملایکه، فرشته و... وجود ندارد به ملا و امثالهم مزد دست تان را ندهید، پنج وقت چند بار سر را به زمین زدن و ادای جملات عربی که مفهومش را هم نمی دانید فایده ای نداشته و نخواهد داشت، اسلام زندگی این دنیای شما را به خاطر هیچ و پوچ به آتش مبدل ساخته و مانع تحرک انسانی و انقلابی شما می شود، پول عرق جبین خود را بیهوده به نام حج به جیب شیخک های عربی نریزید، قرآن و افسانه های مندرج آن را به زبان مادری تان بخوانید، به آیات سکسی قرآن و آیات قتل و کشتار قرآن توجه جدی کنید و بخوانید و از آیات کتاب مقدس در باره تعیین وقت هم خوابگی محمد با همسرانش، اجازه جماع با کنیزش، زن فرزند خوانده اش ، باید مفهوم آنچه را در نماز، در مجالس

فاتحه و سوگواری می خوانید باید بدانید که چه میخوانید؟ و.... مگر کجای این حرف ها غیر منطقی است؟؟ که روشنفکران ما از گفتن و نوشتن آن می ترسند؟؟

این قشر مفت خور یعنی ملا ها و مولوی ها و امثالهم در مقابل این همه موضوعات چیزی ندارند که تشریح کنند، دلیل بیاورند و استدلال کنند فقط همیشه می گویند : اینها(منتقدین) کافر شده و مرتد هستند، از دین بر گشته اند، حال اگر آگاهی دادن به مردم، روشن ساختن توده ها و نجات آنها از چنگال دهشت و وحشت اهریمنی جهالت عربی کفر باشد و به ناجی آنها کافر و مرتد خطاب شود بهتر خواهد بود از این که به آنها لقب ملا و رهبر اسلام مثل "سیاف" ها غلام عرب و شیوخ؟؟ داده شود؟ به نظر شما روشنفکران عزیز کدام یک بهتر است؟؟

مفت خوران جامعه و رقااصان شیوخ عربی هرگز در مقابل تمام این پرسش ها جوابی معقول و انسانی ندارند و تشریحات آنها فقط تسکین دهنده و قانع کننده برای افراد و اشخاصی است که از علم و دانش دور نگهداشته شده و مغز های شان با زهر دین عربی مسموم شده است و این ملا گک ها چون چیزی عقلانی، انسانی و مدنی برای گفتن ندارند به سؤال کننده حمله تیوریک و فزیک می نمایند ، مثلاً ابتداء می نویسند : فلان شخص نظر به فلان آیت قرآن (همان قرآنی که اصلیتش زیر سؤال رفته است و همین پست فطرت غلام عرب نتوانسته از مقدس بودن قرآن دفاع کند) و فلان حدیث (که بحث آن در بخش دوم این نوشته پیشکش خواهد شد) کافر و مرتد است !!؟؟ متهم می نمایند و بعداً در صورت شناخت چون مدافع نیروی های استعماری و چوپه سگان دولت های ارتجاعی اند به حملات فزیک می پردازند تا این مانع و یا موانع آگاه را که به ماهیت اصلی شان پی برده است از سر راه خود مقدس گونه و (الله اکبر) گویان بر دارند چرا؟؟، برای این که اینها جیره خواران استعمار استند و زندگی شان از همین راه ترویج خرافات دین می چرخد .

درد و رنج دهنده مشکل نادانی آن شخص که نمی داند چرا مسلمان است و یا چرا باید مسلمان باشد، عربی هم نمی داند، روی آداب ، عرب و کلچر خانوادگی و بومی و زیر تأثیر تبلیغات زهر آگین ملا ها هرگز هم به خود اجازه نداده است تا علت ها را از فامیل و یا معلم (اگر مکتب رفته باشد) و یا شخص آگاه دیگری پرسد و این شخص باید روشن شود نیست، درد و رنج آن است آنکس که آگاه است، روشن است، تحصیل کرده است و فهمیده اما از مقابله نمودن با این خرافات و آگاهی دادن به مردم پرهیز و از مبارزه علیه دین می ترسد.

تحصیل کرده و روشنفکری که هنوز باور داشته باشد که خدائی هست که همه را آفریده و سپس با یک گروه علیه گروه دیگری جبهه گیری می کند و از ریختن خون آنها شاد می شود اندیشمندی که فکر کند می شود آئینی غیر عقلانی مانند اسلام را که با تفکر عقلانی، علوم انسانی مخالف است زیربنای جامعه ای عقلانی قرار داد و یا می توان از دل فاشیسم اسلامی که در آن حتی ریختن خون دیگر باوران مباح است دموکراسی بیرون کشید بهتر است برود و فریاد بزند : من نوکر استعمار هستم ! و این اندیشه استعماری است ، به ضجه های بیمفهوم عربی ما گوش دهید تا ما از خوشباوری و ساده دلی تان بهره زیاد تری ببریم.

راویان ما از شیطان، جن، فرشتگان، ارواح ، ملائکه، بالهای فرشتگان و طول و عرض بالهای شان، عرش معلی که خدا بر روی آن لمیده و فرشتگان حامل آن است، از عذاب قبر ، منکر و نکیر ، از مار ها و اژدها های داخل قبر که هزار دهن و هر دهن هزار نیش دارد، از رفتن الاغی اسب مانند به آسمان ها که محمد را سواری داده است و جبرئیل در پشتش نشسته، از مادیانی که جبرئیل سوار بوده و به تعقیب فرعون پرداخته، از عصای موسی که هم مار می شد و هم اژدها و هم شکننده هر سد و مانعی حتی آب دریا ها را قطع می کرد ، از حرف زدن طفل گهواره ئی با مردم ؟ (عیسی) لوح محفوظ ، آسمانها و فاصله هر یک آسمان با همدیگر، محل بود و باش بعضی از پیامبران در این آسمانها،

از دوزخ و آتش، دروازه بانهای وحشی و خشن آنان، از پل صراط که از شمشیر برنده تر و از موی نازکتر است، از بهشت خیالی و حور های زیبا روی و دست نخورده که هر لحظه بعد از جماع با مردان بهشتی فوراً دو باره باکره شده و آماده جماع دو باره می شوند، از غلمان یعنی بچه های چهارده ساله زیبا روی که هنوز پشت لب سیاه نکرده اند و برای (خدمت برای بهشتیان) هر لحظه آماده اند و صد ها خرافه و خیال بافی دیگر چنان روایت و داستان سرائی می دارند که جناب های ایشان همانجا و در همان شرایط زمانی تشریف داشته اند؟ فقط با در نظر داشت همین چرندیات راویان می توان اذعان نمود که جهالت مذهبی صد ها سال است که بر جامعه ما تحمیل شده است و باید فهمید که اسلام ستیزی چیزی نیست مگر خرافات ستیزی. مدتهاست تعدادی از هموطنان ما به نسبت وابستگی های عجیب و غریب با دستگاه های اسلامی و استعماری جهانی شعوری و یا هم نا دانسته چنان مست می میخانه های کهن و مسموم کننده آنها شده که در خرافه و هذیان گوئی سرحد نشناخته و هر چه به دهن شان داده شد همان را بدون شرم و حیاء نشخوار می کنند، تعقل و تفکر از آنها گرفته شده و تبدیل به موجودات مصنوعی و گدی های کوکی بیگانگان مستعمره طلب گردیده و اختیار خود را به آنها سپرده اند، البته درین موارد می توان مثالهای زیادی زد که به خاطر ضایع نشدن وقت و تکرار موضوعات از تشریح مکرر آن صرف نظر و در صورت تقاضای دوستان و یا هم خود راویان البته به شرح آن خواهم پرداخت.

یکی از راویان ما با افتخار نقل از یکی از شیوخ عربی نموده بود که او سود!! را حلال دانسته البته در مورد خرید خانه؟؟ و استدلال آن شیخ چنین بوده که او: بر اساس آیات قرآن سود را حرام شمرده اما وقتی که به امر یکا سفر نموده و مشکلات مردم را دیده فهمیده!!؟؟ و لازم دیده است؟؟ که در مورد خرید خانه سود دادن حلال است؟؟؟؟؟؟ طرح این نوشته و نقل قول راوی ما با القاب داکتر اسلامی در همین پورتال آزادگان موجود است و علاقه مندان می توانند آن نوشته و فتوا و تبصره بنده را به ارتباط همین موضوع مطالعه فرمایند و همچنان نا گفته نباید گذاشت که همین راوی در مقابل یکی از نوشته هایم در باره حوریان بهشتی و غلمان با ترفندی عجیبی چنین نوشته است: **ما زمانی که از حور و غلمان در جنت برای جنتیان صحبت و بحث داریم، عده ای ساده لوحانه تصور دارند که دختران و پسران (بچه ها) هردو برای مرد است و گویا به نحوی بحث از «بچه بازی» و به این ترتیب همه چیز را مرد از دیدگاه خود قضاوت می کند، در حالی که دین مقدس اسلام زنان و مردان جنتی و خواهشات هردو را در نظر گرفته، به این نوشته راوی هموطن ما اگر کمی دقت شود متوجه خواهیم شد که خیلی جالب و هم مضحک است چون غیر مستقیم اعتراف به این داشته اند که در بهشت خیالی شان الله برای زنهای مؤمن هم تسکین دهنده شهوانی به نام غلمان مد نظر گرفته اما جناب شان روی ملحوظات خاص که شاید کمی شرمیده باشند تا این موضوع را پوست کنده و واضح خلاف تشریحات و فتوای ۹۹ در صد ملا ها و شیخ ها (که می گویند زنهای مؤمن در بهشت با همین شوهران دنیائی خود زندگی می کنند) روشن سازند چون در صورتی که واضح بنگارند که (غلمان) را الله برای زنان مؤمن آفریده این موضوع شامل تمام زنان مؤمن از زنان محمد شروع تا امروز، هر چه زن مسلمان است همه را در بر می گیرد؟؟ یعنی زن من؟ زن تو؟ زن همه مؤمنین؟؟ اگر چنین باشد؟؟ لازم می بینم زنم کافر باشد و من هم مرتد!! و به دوزخ برویم تا این که زنم هم آغوش صد ها غلمان!!؟؟ شود!! شما آقای راوی چطور؟؟؟؟ آیا تا این حد در آن دنیا دموکرات هستید؟؟ نه شرمید؟ خالصانه و اسلامی جوابی دهید، چون شما یک مسلمان هستید و به گفته شما و دساتیر دین تان مسلمان نباید دروغ بگویید؟؟ لطفاً این یکی را صریحاً جواب بدهید؟؟؟ لازم می بینید و یا می خواهید همسران مسلمانان سالهای سال هم آغوش (غلمان) بهشتی و مردان مسلمان هم آغوش (حوریان) بهشتی باشند؟؟؟ شاید هم ترسیده باشند از این که نوشتن واضح چنین نظر به گوش آدم هائی مثل "سیاف" برسد؟؟ همچنان باید یاد آور شد که در هیچ جای قرآن (چون اسلام**

یک دین مرد سالار بوده و احکام قرآنی همه به نفع مردان است) واضحاً اشاره ای نشده است که این غلمان برای زنان مؤمن خلق شده است و (ما) چون فکر کردیم پس حتماً برای (خدمتگذاری) مردان باید باشد ورنه ضرورت موجودیت و خلق شدن آنها در بهشت چیست؟ ما را این راوی که واقعاً از عمق قلب عاشق اسلام و احکام آن است، **ساده دل** خوانند؟؟ و جناب شان باید روشن سازند که این زنان مؤمن بهشتی بعد از هر هم آغوشی با غلمان دو باره باکره می شوند؟ یا این که غلمان توانا تر می گردد؟ چون نظر به آیات قرآنی الله در بین موارد و تهیه عسرتکده برای بندگان خاص خود (کریم و رحیم) است؟؟

همین راوی ما در مورد تغییر جنسیت اشخاص هم در فشانی های نموده اند و احکام قرآنی را در مورد تغییر جنسیت (آنها) که نه زن هستند و نه مرد) شان بیان داشته اند اما تشریح نفرموده اند با در نظر داشت این که بهشت خیالی که جای عیش و نوش و رفع شهوت است این بیچارگان (خنثی ها) و مظلومانی مثل هزاران غلام و برده حضرت محمد- یاران- چپاولگران آن دوره- سلاطین دوره اموی، عباسی و صفوی که دارای حرمسرا هائی که در آنها به صد ها و هزاران کنیز نگهداری می شد نگهبان، محافظ و خدمتگار بودند و ده هزار غلام شان را برای حفاظت این حرمسرا گماشته بودند و آنها را (خصی) می کردند در بهشت های خیالی از چه نوع امتیازات شهوانی بهره ور خواهند شد و قرآن در این باره چه رهگشائی نموده است؟

با وجودی که هر کدام از این چرندیات قابل مکث و انتقاد می باشد، اما هر انتقادی، هر اعتراضی و هر سوالی از راویان و رقاصان شیخک های عربی بی نتیجه است! چون راویان ما عادت به جواب دادن و یا تشریح مسایل ندارند یعنی این که آنها گفتنی درین موارد ندارند به جز همان چیزهائی که از طرف شیخک های عربی به خورد شان داده شده است و داده می شود و در مقابل آن امتیازاتی مادی می گیرند! اینها همه در مجموع مجبورند مقلد عرب باشند، به ساز عربی برقصد.

این که چرا این وضع از صد ها سال به اینطرف ادامه دارد فکر می کنم که یکی از دلایل اساسی آن تولید و تکثیر کمپنی های ملا سازی استعمار، تبلیغات بیحد چرندیات دینی از رسانه های زیاد که از طرف شبکه های جاسوسی بین المللی تمویل می شود، همکاری و پا دوی ملا گک ها و نوکران شیخک های عربی با استفاده از بی دانشی مردم بوده و در پهلوی آن بی توجهی و یا محافظه کاری روشنفکران، دانشمندان، دگراندیشان و یا آنانی که به نحوی از انحاء ترجیح می دهند مدتی بر زندگی خود به مفهوم نفس کشیدن ادامه دهند به این موضوعات تماس نگرفته و اگر هم کمی بر حکم وجدان می خواهند یک اندازه ابراز نظر دارند فقط یکی دو بار خیلی با احتیاط و محافظه کارانه بوده و نمی خواهند زندگی شان را به خطر اندازند، می باشد. چون مردم ما جبراً و قهراً توسط استعمار و دولت های دست نشانده و همین راویان از علم و دانش بی بهره بوده و در هر شرایطی از فهم آنها جلوگیری به عمل آمده است.

این راویان و رقاصان شیخک های عربی هیچ وقتی با هیچ نوع عکس العمل های جدی مردم آگاه و روشنفکران توده ئی و مردمی مواجه نشده اند اگر هم گاهگاهی بر خورد نموده اند آن را نا دیده گرفته و بر همان جهالت خدمت گذاری به اعراب و استعمار جهانی ادامه داده و می دهند و این یک نوع شرمساری به نسل روشنگر و روشنفکر امروزی مخصوصاً آنانی که خود را مدافع منافع توده ها می دانند می باشد که باید در پهلوی مبارزه علیه استعمار جهانی و استثمار فرد از فرد باید وسایل و گروه هائی را که باعث ادامه و تسلط این ویرانگری ها می شود فراموش نکرده و نگذارند آنها از خوشبختی های مردم استفاده نموده و با افسانه های زیبا و خیالی مردم را سرگرم و ذهنیت های شان را مسموم سازند.

حال اتکای این راویان بر چیست؟؟ چرندیات خود را بر چه پایه هائی استوار می سازند؟ تا شکل مقدس گرفته و مردم

بی خبر از همه جا آن را بپذیرند؟؟

یکی از استنادات آنها به آیات قرآنی است؟؟ و دوم احادیثی از محمد، اصحاب و غیره!!
از این که خود قرآن مورد انتقاد قرار گرفته و صد ها سؤال در مورد تناقضات، احکام و متضاد بودن آیات وجود دارد،
آسمانی بودن آن زیر سؤال رفته است بهتر است این چوکره های عربی قبل از این که روایات خود را مبنای قرآنی بدهند
به رد (اتهامات) پر داخته و از قرآن دفاع کنند و ثابت سازند که داکتر (سها) و صد ها منتقد قرآن به قرآن تهمت بسته و
قرآن کتاب آسمانی است.

از این که اصل منشاء زیر سؤال رفته است نمایندگان و دلایان شیخک ها نباید دلایلی از آن کتاب بیاورند.

ادامه دارد